

## زمینه‌ها، محورها، پیامدهای تعامل امام صادق (علیه السلام) با سران اصحاب حدیث مدینه و کوفه

محمد علی توحیدی نیا<sup>۱</sup>، روح‌الله توحیدی نیا<sup>۲</sup>

### چکیده

از جمله اقداماتی که در مطالعات حدیثی کمتر مورد توجه قرار گرفته، تلاش برای شناسایی زمینه‌ها، محورها و پیامدهای تعاملات شخصیت‌های مؤثر حدیثی در عصر حضور است؛ موضوعی که درباره روابط امامان شیعه (علیهم السلام) به دلیل درک فضای صدور حدیث، اهمیت بیشتری می‌یابد. هرچند داده‌ها در این باره اندک است، اما با تغییر زاویه دید و مشاهده اخبار در فضایی تعاملی، می‌توان به ابعاد تازه‌ای درباره روابط یاد شده دست یافت. پژوهش حاضر با هدف بررسی تعامل امام صادق (علیه السلام) و اهل حدیث در مقطعی مهم یعنی، عصر امامت ایشان و حضور بزرگانی از اصحاب حدیث همچون مالک ابن انس و سفیان ثوری در مدینه و کوفه به روش توصیفی- اسنادی انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان‌دهنده تأثیر زمینه‌های ارتباط دو گروه بر شکل‌گیری دو محور تعاملاتی مستقیم توسط امام صادق (علیه السلام) و غیرمستقیم توسط پیروان ایشان است. در محور نخست، اولویت با رویکرد مداراست که پیامد آن بهره‌گیری از ظرفیت این گروه می‌باشد و در محور دیگر، اولویت بر پرده‌برداری از انحرافات اهل حدیث است که پیامد آن حفاظت از مرزهای فکری با آنان می‌باشد.

### واژگان کلیدی:

 فضای صدور حدیث، اهل حدیث، امام صادق (علیه السلام)، مالک ابن انس، سفیان ثوری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰  
۱. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی کلام اسلامی (مؤسسه امام صادق (علیه السلام))، قم، ایران / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

Email: ma.tohidinia@gmail.com

۲. دانش‌پژوه حوزه علمیه قم، قم، ایران / دانش‌آموخته دکتری رشته تاریخ اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: roholahtohidi@yahoo.com

تلاش برای شناسایی زمینه‌ها، محورها و پیامدهای تعاملات شخصیت‌های مؤثر حدیثی در عصر حضور از اقداماتی است که در مطالعات حدیثی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ موضوعی که درباره روابط امامان شیعه علیهم‌السلام به دلیل درک فضای صدور حدیث اهمیت بیشتری می‌یابد. هرچند داده‌ها در این باره اندک است، اما با تغییر زاویه دید و مشاهده اخبار در فضایی تعاملی، می‌توان به ابعاد تازه‌ای درباره روابط یاد شده، دست یافت. بیشتر مطالعات معاصر درباره ائمه علیهم‌السلام و سران دیگر گروه‌های فکری، یا ابعاد فکری و علمی ایشان را بررسی نموده و یا اقدامات و تأثیر تفکراتشان را در تحولات قرون نخستین بررسی کرده است. به همین دلیل اطلاعات موجود درباره آنها همواره به صورت مستقل از یکدیگر و بدون یک رابطه متقابل با هم است. این درحالی است که می‌توان با طرح مسئله چگونگی سازوکار روابط رهبران مذهبی و سیاسی و تغییر زاویه دید نسبت به داده‌ها و مشاهده آنها در فضایی تعاملی فهم کامل تری نسبت به برخی اخبار کسب کرد و همچنین به برخی ابعاد تازه درباره سیره و زندگانی ائمه علیهم‌السلام دست یافت.

پژوهش حاضر در پاسخ به مسئله چگونگی و چرایی ابعاد تعامل امام صادق علیه‌السلام با سران اهل حدیث مدینه و کوفه انجام شد. برای تبیین چرایی این انتخاب و ابعاد تحقیق باید گفت که اهل حدیث گروهی هستند که از قرن دوم تکاپوی معرفتی بی‌سابقه‌ای پس از پایان دوره منع کتابت حدیث (عسکری، ۱۴۱۲ ه.ق، ۴۶/۲؛ فوک، بی‌تا) داشتند و به سنت‌گرایی و تعصب نسبت به ظواهر حدیث (ابوحاتم رازی، ۱۳۳۶، ۴۳/۳) به ویژه در پایه‌گذاری فقه (شهرستانی، بی‌تا، ۲۴۳/۱) شناخته می‌شوند. آنها بعدها در مقابل رویکرد نوظهور عامه یعنی، اهل رأی که جانب کلام، منطق، قیاس و رأی را گرفتند، معرفی شدند (پاکتچی، ۱۳۸۴). در دوره امامت امام صادق علیه‌السلام این گروه در مناطق گوناگون فعال بودند و مهمترین شخصیت‌های آنها یعنی، مالک ابن انس و سفیان ثوری در مدینه و کوفه حضور داشتند (ابن عدی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۴۷۶/۷).

در تبیین روی آورد تحقیق و زاویه نگاه نویسندگان به موضوع یعنی، تمرکز و مشاهده گزاره‌ها در فضای تعاملی، شهرهای یاد شده محور فعالیت‌های شیعه امامی در دوران امام صادق علیه‌السلام تلقی می‌شوند. ازسویی امام صادق علیه‌السلام درحالی در مدینه حضور فعالی داشت



که اصحاب حدیث نیز در همان مکان خود را نمایندگان و گویندگان احادیث و اقوال رسول خدا ﷺ می دانست و جایگاه والایی داشت و از سوی دیگر، شیعیان در کوفه به طور پیوسته در مواجهه با آرا و افکار اهل حدیث قرار داشتند. فرضیه تحقیق در این شرایط، تعامل دوسویه امام صادق علیه السلام با سران اصحاب حدیث است؛ زیرا آن حضرت دو هدف مشخص را ذیل وظیفه اصلی یعنی، هدایت مردم دنبال می کرد: نخست تلاش برای نشان دادن مسیر صحیح به شخصیت های برجسته اهل حدیث و دیگری تعامل با اصحاب حدیث در کوفه توسط اصحاب و پیروانشان. مقصود از دوسویه بودن تعامل، محوریت یافتن گزاره های مربوط به اشتراکات فکری و مناسبات مثبت در راستای هدف نخست و محوریت یافتن گزاره های مربوط به اختلافات و مناسبات تقابلی و محتاطانه در راستای هدف دوم است. در زمینه تعاملات ائمه علیهم السلام و اهل حدیث تحقیقات متعددی صورت گرفته است.

پژوهش حاضر در تحلیل رابطه دوسویه امام صادق علیه السلام با سران اصحاب حدیث از سه نظر نوآوری دارد. نخست، از نظر رویکردی تاریخی به روابط مورد نظر و ایجاد درکی تازه از فضای صدور حدیث برای محققان و حدیث پژوهان. این تأکید به این دلیل است که بیشتر کارهای صورت گرفته درباره روابط شخصیت های حدیثی، صورتی محتوایی و با تمرکز بر مسائل کلامی و غیره دارد. برای نمونه می توان به مقاله امام رضا علیه السلام و مواجهه با برداشت های ناصواب اهل حدیث از صفات خبریه (جعفری، ۱۳۹۵) نام برد که با تأکید بر جمود اهل حدیث بر ظاهر کتاب و سنت، مقابله امام رضا علیه السلام با برخی پیامدهای این رویکرد اهل حدیث را بررسی نموده است. مقاله تشبیه، تفویض و تأویل در مکتب اصحاب حدیث (حجت، ۱۳۸۵) نیز که نشان می دهد تأویل آیات قرآن کریم، نظر ائمه علیهم السلام و برخی سران اصحاب حدیث است. دوم، از نظر تمرکز بر شواهد خاص روابط امام علیه السلام با سران برجسته اهل حدیث؛ زیرا در بیشتر مطالعات صورت گرفته فقط برخی از شواهد روابط مورد نظر برای دستیابی به هدفی کلان تر بررسی شده است. برای نمونه در مقاله پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام (نیک آفرین، ۱۳۹۲) یا مقاله راهبردهای اجتماعی امام صادق علیه السلام برای ایجاد همگرایی اسلامی (نادری، ۱۳۹۷) هرچند ارتباط آن حضرت با برخی از اهل حدیث بررسی شده است، با توجه به تمرکز این تحقیقات بر شخصیت امام صادق علیه السلام



نمی‌توان سازوکار تعامل ایشان با گروه خاصی چون اهل حدیث را به دست آورد. سوم، از نظر توجه به بستر شکل‌گیری روابط. ملاحظاتی که امام صادق علیه السلام و سران اهل حدیث با توجه به شرایط مذهبی و سیاسی آن دوره داشته‌اند، موضوعی است که کمتر مورد توجه بوده است. برای نمونه در کتاب *امام صادق علیه السلام در برخورد با اهل سنت* (بابایی، ۱۳۸۴) و پایان‌نامه برخورد امام صادق علیه السلام با منحرفین کلامی (آقانوری، ۱۳۷۴) فقط به جمع‌آوری اخبار در فضای مباحثات کلامی توجه شده است نه زمینه‌ها و بستر تعاملات امام علیه السلام با اهل حدیث.

پژوهش حاضر علاوه بر توصیف سازوکار روابط به بررسی ساختار کلی تعاملات، زمینه‌ها و عوامل آن پرداخته و در سه گام زمینه‌ها، محورها و برخی پیامدهای تعامل امام صادق علیه السلام با سران اصحاب حدیث مدینه و کوفه با در نظر داشتن و آزمون فرضیه، دوسویگی تعاملات را بررسی نموده است.

## ۲. زمینه‌های تعامل امام صادق علیه السلام با سران اصحاب حدیث مدینه و کوفه

### ۲-۱. جایگاه و منش تعاملی اهل حدیث

اهل حدیث از نظر میزان فعالیت و اثرگذاری علمی، دوره‌های مختلفی داشتند. فقهای اهل حدیث نیز روش‌های گوناگونی در بهره‌گیری احادیث داشتند، اما آنچه در تعاملاتشان در دوره، مورد نظر است، افزایش شمار نام‌آوران اهل حدیث است که نشانه قدرت و تأثیر آنهاست. برای نمونه می‌توان از مالک بن انس در مدینه، سفیان بن عیینه در مکه، سفیان ثوری در کوفه، حماد بن زید در بصره، ابوعمرو اوزاعی در شام و لیث بن سعد در مصر نام برد. (ذهبی، ۱۴۲۳ ه.ق) نکته مهم دیگر، شهرت و مقبولیت آنها در بین عموم مسلمانان است. باید توجه داشت که قرن دوم، مهمترین جایگاه را در شکل‌گیری علم حدیث و فقه به معنی رایج دارد (پاکتچی، ۱۳۸۴) تا آنجا که وقتی برخی گروه‌های فکری به دنبال اقدامی در نصب صندوق‌های صدقات در شهر مدینه بودند با مخالفت و ممانعت تأثیرگذار مالک بن انس مواجه شدند. در برخی سخنان سفیان ثوری نسبت به موضوعات اجتماعی مثل نماز جمعه (فسوی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۲/۳۹۲) یا اهمیت حضور یا عدم حضور وی در تشییع جنازه افراد صاحب نام در کوفه (ابن سعد، بی‌تا، ۶/۲۵۲) می‌توان به تسلط وی بر گفتمان رایج در کوفه پی برد (قاضی نعمان، بی‌تا، ۳/۳۶۴).

با ورود به مرکز فعالیت‌های اهل حدیث در مدینه و کوفه مشاهده می‌شود که آنها بسیار فعال بوده‌اند؛ سفیان ثوری، فقیه بی‌رقیب کوفه بود. (ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۴۷۶/۷) وی و شاگردانش علاوه بر برگزاری جلسات مفصل علمی در کوفه تألیفات متعددی در این زمینه داشتند که ملاک مهمی برای به‌کارافتادن ظرفیت‌های انسانی آنهاست (ابن ندیم، ۱۳۴۹). کوفه در دوره صادقین علیهم‌السلام مهمترین مکان حضور شیعیان بود؛ شیعه در این دوره می‌توانست از این فعالیت‌ها تأثیر بپذیرد به‌ویژه آنکه براساس برخی شواهد، فقهای اهل حدیث حاضر در کوفه در این عصر با وجود گرایش شبه‌صوفیانه، روابط گسترده‌ای با مردم برقرار می‌کردند (پاکتچی، ۱۳۸۴). علاوه بر آن، ویژگی‌های علمی و اخلاقی بارز موجود در بین برخی از سران اهل حدیث نیز می‌توانست سبب جذب افراد و گروه‌های دیگر شود. برای نمونه درباره سفیان ثوری گفته‌اند که وی به شیوه‌ای زاهدانه زندگی می‌کرد. محور اساسی زندگی و تعلیم اخلاقی سفیان ثوری زهدورزی و ورع است و از او نقل کرده‌اند که می‌گفت: «زهد، برترین عمل در دنیاست» (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱/۱، ۸۶). همچنین گفته‌اند که او همواره در سخنان و مواضعش به اشعاری که متضمن زهد بود، استشهاد می‌کرد (ابونعیم اصفهانی، بی‌تا، ۲۰/۷). این ویژگی اخلاقی را در چندین وصیت‌نامه بازمانده از وی خطاب به عباد بن عباد عتکی و علی بن حسین سلمی می‌توان دید (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱؛ ابونعیم اصفهانی، بی‌تا، ۲۴/۷). از نظر علمی نیز گاهی جلسات درسی آنها شلوغ‌تر و پررفت‌وآمدتر از جلسات علمی استادان آنها می‌شده است (ابن خلکان، بی‌تا، ۱۳۵/۴).

## ۲- جایگاه و منش تعاملی امام صادق علیه‌السلام

با ورود به اندیشه امام صادق علیه‌السلام اصول تعاملی ایشان مشخص است و به‌طور طبیعی آنچه در خارج رخ می‌دهد برآمده از همین اصول است. بنابراین، این اصول نقش اساسی در فراهم کردن تعامل واقع شده را داشته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد که امام صادق علیه‌السلام نسبت به مخالفان خود در صورت وجود اندک امیدی به هدایت آنها از برخورد طردی دوری کرده و دیگران را نیز از این امر نهی می‌کرد. (پاکتچی، ۱۳۹۱) یکی از موارد مهم این اصول که جنبه اجتماعی داشت و نقش مهمی در سازوکار تعاملات ایفا می‌کرد باور امام صادق علیه‌السلام به رعایت تقیه بود. رعایت مصالح در برخورد با عموم عالمان و مسلمانان در این دوره موضوعی است که در گفتار و رفتار امام صادق علیه‌السلام دیده می‌شود چنانکه حدود

۵۰٪ از روایات مربوط به ضرورت رعایت تقیه از امام صادق علیه السلام است (مجلسی، بی تا، ۳۹۳/۷۵). بخشی از کتاب کافی درباره روایات موجود در این موضوع است. در موارد متعدد و البته در جمع مؤمنان، امام صادق علیه السلام زبان و عمل فرد یا گروه را مصداق قرار داده و از آثار مثبت یا آسیب‌های ممکن تقیه و عدم تقیه سخن گفته است (کلینی، ۱۳۶۳، ۲/۲۱۷).

### ۳. اشتراکات و اختلافات معرفتی

#### ۳-۱. روش علمی

در میان اشتراکات باید از شیوه مباحث علمی امام صادق علیه السلام که برای هریک از اهل حدیث جذاب بود، یاد کرد. امام صادق علیه السلام معارف و آموزه‌های فقهی، کلامی و غیره را فقط در قالب روایت بیان می‌کرد. صادقین علیهم السلام سند روایت را توسط ائمه پیش از خود به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌رساندند و حتی گاه از برخی صحابه نیز خبری نقل می‌کردند. (امین، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۶۵۶/۱) بنابراین، با وجود حضور عده‌ای از اصحاب ائمه علیهم السلام که با استفاده از منبع عقل، طرح بحث کرده و یا در مقام مجادله با گروه‌هایی چون معتزله درمی‌افتادند (کشی، بی تا) می‌توان گفت که منش علمی روایی در بین شیعه تسلط داشت. در مقام اجتهاد و دستیابی به حکم شرعی، شیعه با بهره‌گیری از منابعی چون قیاس، مخالفت می‌کرد (مدرسی، ۱۳۶۲). این رویکرد که تصویری از محدث والامقام را در ذهن اهل حدیث تداعی می‌کرد، می‌توانست زمینه‌ساز همدلی و ایجاد روابط بیشتر بین آنها باشد. هرچند نباید فراموش کرد که پیروان امام صادق علیه السلام به ایشان مانند یک مرجع علمی مستقل نگاه می‌کردند و فرمایش ایشان را حتی بدون استناد به قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پذیرفتند؛ برخلاف اهل حدیث که مرجعیت را فقط به اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌دادند.

#### ۳-۲. باورهای مذهبی

با ورود به باورهای اهل حدیث باید گفت که آنها فقط برای رفع تکلیف به مباحث اعتقادی می‌پرداختند. در همین اندازه نیز فقط بر باورهای مأثور و منقول از سلف با تکیه‌ای خاص بر الفاظ آثار تأکید داشتند، اما باز هم خطر اثرپذیری شیعیان از آنها محسوس است. عقیده به جبر، غیر مخلوق بودن قرآن، رؤیت خداوند در قیامت و تقدیم شیخین از جوه مشترک



در اعتقادات علمای اصحاب حدیث بود. (قاضی عیاض، بی تا) البته در موضوعاتی چون بحث از مخلوق بودن لفظ قرآن میان آنها اختلافاتی وجود داشته است (دینوری، ۱۴۱۹ هـ.ق)، اما در عبارات بسیاری به تکفیر قائلان به خلق قرآن و توحید صفاتی تصریح شده است. در همین زمینه نقل شده است که از مالک در مورد شخصی که قایل به مخلوق بودن قرآن است، سؤال شد و مالک جواب داد: «زندیق است و او را بکشید» (سیوطی، ۱۴۱۰ هـ.ق). باز هم از وی نقل شده است: «قرآن کلام خداست و مخلوق نیست و هرکس قائل به مخلوق بودن قرآن شود، کافر است و یا توبه داده می شود و یا گردنش زده می شود». در روایتی از وی نقل شده است که کشته می شود و توبه اش پذیرفته نمی شود (قاضی عیاض، بی تا). نکته دیگر درباره باورهای اصحاب حدیث این است که اجتناب از تأویل نه تنها در آیات صفات که در روایات حاکی از صفات نیز شیوه رایج در میان آنها بوده است. در کتاب السنه نمونه های متعددی از این دیدگاه گزارش شده است (سیوطی، ۱۴۱۰ هـ.ق)، اما در بیان باورها باید به اعتقادات شیعیان که اهل حدیث به آن توجه نداشتند نیز اشاره کرد. برای نمونه، پیروان امام صادق علیه السلام برخلاف اهل حدیث در این دوره بر امامت امام علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید دارند و معتقدند که قرآن و سنت، منابع اساسی دین بوده و توسط امام علیه السلام تفسیر و تبیین می شوند (مفید، ۱۴۱۴ هـ.ق؛ کشی، بی تا).

### ۳-۳. اندیشه سیاسی

با بررسی سطح عملکرد سیاسی دو گروه مشاهده می شود که در این مورد نیز گاهی عملکرد یکسانی داشته اند. برای نمونه مالک بن انس معتقد بود که تکاپو در امور سیاسی نتایج مطلوبی به دنبال ندارد. از وی روایت شده است که تأکید داشت با وجود حاکم ظالم و ستمگر در رأس حکومت، قیام و درگیری مسلحانه راه حل مناسبی نیست و باید به دنبال راه های مسالمت آمیز برای روی کار آمدن حاکمان دیگر بود. (ابوزهره، ۱۳۹۳) بررسی ها نشان می دهد که وی علاوه بر عدم حضور در قیام نفس زکیه از وی حمایت نکرد (طبری، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۷/۵۶۰). البته تعداد اندکی اخبار در حمایت برخی اهل حدیث از قیام ها وجود دارد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۶؛ طبری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۶/۱۹۰؛ ابن قتیبه، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۳/۸۱). در مورد ارتباط اهل حدیث و حکومتگران (ر.ک.، ابن قتیبه، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۲/۱۷۴؛ ابن سعد، بی تا، ۶/۳۷۲) نیز این نوع مواجهه با قیام از سوی امامان شیعه دیده می شود. در این مورد برخی پیروان امام صادق علیه السلام به طور صریح با طرفداران قیام



چه از نظر اعتقاد به قیام به سیف و چه از نظر فراهم نبودن شرایط قیام مناظره می‌کنند (طبرسی، ۱۳۸۶/۲/۳۷۴) و یا اسامی پیروان امام صادق (علیه السلام) در قیام‌ها به ندرت دیده می‌شود. وجه دیگر این شباهت در عملکرد را می‌توان نسبت به نظر اهل حدیث و امامیه نسبت به حکومت بنی‌امیه دید چنانکه در برخی موارد، سران اهل حدیث به شدت به نقد بنی‌امیه پرداخته‌اند. (وکیع، بی‌تا، ۱۰۵/۱) البته این مصادیق به معنی یکسان بودن وجه و مبانی مخالفت و عدم همکاری این دو گروه با حاکمان نیست. این موضوع به خوبی از رفتار حاکمان وقت قابل درک است. از این رو، واکنش حاکمان با دو گروه متفاوت است. فقهای اهل حدیث گاه به طور مستقیم مورد مراجعه خلفای عصر قرار می‌گرفتند. برای نمونه مالک بن انس بارها از سوی خلفای عباسی مورد تقدیر قرار گرفت و تلاش می‌شد تا به آثار او محوریت داده شود (ذهبی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۷۸/۸؛ ابونعیم اصفهانی، بی‌تا، ۳۳۲/۶). این در حالی است که باورهای شیعه به دلیل تفاوت با آموزه‌های رایج، مورد توجه حاکمان قرار نمی‌گرفت و برعکس، امویان و عباسیان اصل را بر سرکوب آنها می‌دانستند.

#### ۴. محورهای تعامل

با درک شرایط زمانی و مکانی می‌توان محور تعاملات امام صادق (علیه السلام) با سران اهل حدیث را براساس فعالیت آنها در مدینه و به طور خاص ارتباط مستقیم ایشان با آن حضرت و براساس فعالیت آنها در کوفه و ارتباط غیر مستقیم ایشان با پیروان آن حضرت دید و هریک از آن دو را با مهمترین ویژگی آشکار در سازوکار تعاملات نام‌گذاری کرد.

#### ۴-۱. احترام و مدارا در رابطه مستقیم

اولین مورد در ساختار تعامل امام صادق (علیه السلام) با سران اهل حدیث، احترام و مدارا با سران آنها بود. شواهد متعددی وجود دارد که براساس آن وقتی صادقین (علیهم السلام) با یکی از اهل حدیث روبه‌رو می‌شدند نه تنها احترام وی را حفظ می‌کردند بلکه به دنبال برقراری ارتباط مناسب و همراهی دوستانه با وی بودند. بنابر نقلی، مالک بن انس از شیوه برخورد خود با امام صادق (علیه السلام) چنین حکایت می‌کند:

با ورود به محل حضور حضرت (علیه السلام)، وی برای من محل تکیه‌ای قرار می‌داد و برای



من قدر و منزلت قائل می‌شد. همچنین به من احترام می‌کرد و می‌گفت: ای مالک! تورا دوست دارم. پس من از این کلام شادمان می‌شدم و خدا را شکر می‌کردم. (صدوق، ۱۴۱۷هـ.ق)

براساس خبر دیگری از قول شیعیان، وی گفته است: «وقتی نزد امام شیعیان می‌رسیدم مرا می‌بوسید و گرامی می‌داشت». (صدوق، ۱۴۱۷هـ.ق) در بیان دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در ملاقاتی با سفیان ثوری که از سران اهل حدیث ساکن کوفه بود و به محضر حضرت برای استفاده از بیانات ایشان آمد از وی به نیکی یاد کرد و با عباراتی از او تقدیر کرد چنان‌که در یکی از جلسات فرمود: «انک رجل مطلوب» (طوسی، ۱۴۱۴هـ.ق). با آنکه فاصله افکار و جهت‌گیری‌های مذهبی شیعیان و اهل حدیث بسیار زیاد بود، دیده می‌شود که همواره صادقین علیهم السلام برای حفظ روابط مسالمت‌آمیز با آنها تلاش می‌کردند. برای نمونه می‌توان به همراهی مالک بن انس با امام صادق علیه السلام در یک سفر طولانی برای انجام فریضه حج و گفت‌وگو با ایشان در طول سفر اشاره کرد و یا اینکه برخی از سران اهل حدیث تا اندازه‌ای با امامان علیهم السلام ارتباط داشتند که به شرح سیره و رفتار کلی آنها پرداخته‌اند (صدوق، ۱۴۱۷هـ.ق).

نوع بیانات صادقین علیهم السلام نشان‌دهنده نزدیکی این روابط است. برای نمونه براساس یکی از اخبار، حضرت صادق علیه السلام در جواب سفیان که چرا رنگ شما متغیر شده است، فرمود:

نهی کرده بودم که بالای خانه بروند و داخل خانه شدم و کنیزی از کنیزها که وظیفه تربیت بچه‌ها را برعهده داشت به همراه فرزندم روی زردبان بود و وقتی مرا دید دچار حیرت و سرگردانی شد و فرزندم به پایین افتاد و فوت کرد. رنگ من به خاطر موت بچه تغییر نکرده است بلکه به خاطر ترسی که بر آن کنیز وارد شده تغییر کرده است. سپس حضرت دو مرتبه به آن کنیز فرمود: «انت حره لوجه الله لا باس علیک».

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۳/۳۹۵)

در گزارشی دیگر، سفیان ثوری از علت عزلت و جدایی امام صادق علیه السلام از مردم سؤال کرد و آن حضرت علیه السلام در پاسخ به فساد زمانه و دگرگونی برادران اشاره نمود. (ابن جوزی، ۱۴۱۲هـ.ق، ۱۱۱/۸) به نظر می‌رسد این روایت مربوط به دوران حکومت منصور عباسی است که امام صادق علیه السلام و شیعیان ایشان با محدودیت‌های شدیدی روبه‌رو بودند. در جای دیگر آمده است که پس از وفات اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام، سفیان بن عیینه برای عرض تسلیت به محضر حضرت آمد و آن حضرت با بیاناتی به عرض تسلیت جبرائیل علیه السلام به اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله پس از وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله اشاره کرد (قاضی نعمان، بی‌تا، ۴۱۹/۲). براساس



خبری دیگر، زمانی که حضرت می خواست از کوفه به سمت مدینه حرکت کند عده‌ای ایشان را مشایعت و بدرقه کردند که از آن جمله سفیان ثوری بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۳/۳۶۷). به نظر می‌رسد احترام و مدارای امام صادق (علیه السلام) در تعامل با سران اهل حدیث نسبت به فرق دیگر به صورت واضح‌تر و در ابعاد بیشتری دیده می‌شود؛ موضوعی که از ساختار کلی تعاملات ثبت شده است (ر.ک.، صدوق، ۱۳۶۱) فهمیده می‌شود و البته با صراحت کمتری از سوی امام صادق (علیه السلام) جز در موارد نادر دنبال می‌شود. از این رو، می‌توان آن را ایفای نقشی در پس دو رویکرد مهم یعنی، احترام و مدارا تلقی کرد.

روزی سفیان ثوری برای استفاده از علم حضرت صادق (علیه السلام) نزد ایشان رسید و حضرت سخنانی با موضوع معروف و حمد خداوند و مسائل اخلاقی برای وی طرح کرد. (طوسی، ۱۴۱۴هـ.ق) او قبل از سفر به مکه و انجام مناسک، خدمت امام باقر (علیه السلام) رسید و از ایشان خواست به وی دعایی را تعلیم دهد تا با آن با خدا نجوا کند و امام باقر (علیه السلام) نیز دعایی را به وی تعلیم داد (جرجانی، بی تا؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ۵۲/۱۹۹). براساس خبری دیگر، مالک از امام صادق (علیه السلام) در مورد ثواب روزه یک‌روز از ماه رجب و شعبان سؤال کرد و آن حضرت با اشاره به بیانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به وی پاسخ داد (صدوق، ۱۴۱۷هـ.ق). در روایت دیگری آمده است که سفیان ثوری از حضرت صادق (علیه السلام) در مورد آیه «ن» سؤال می‌کند. ایشان با اشاره به این مطلب که «ن» نام نه‌ری در بهشت است توضیحاتی در این مورد به او داد (صدوق، ۱۳۶۱). همچنین سفیان از حضرت صادق (علیه السلام) در مورد برخی دیگر از آیات مقطعه سؤال می‌کند و ایشان به معنا و تفسیر هریک اشاره می‌کند (صدوق، ۱۴۱۷هـ.ق). براساس نقلی دیگر، وی در مورد دلیل قرار گرفتن موقف در پشت حرم و غیره سؤال می‌کند و امام صادق (علیه السلام) به وی پاسخ می‌دهد (ذهبی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۶/۲۶۴). از موارد نادر می‌توان به این نمونه اشاره کرد که امام صادق (علیه السلام) سفیان ثوری را به تبعیت از هدی دعوت می‌کند و پس از سؤال سفیان، امام صادق (علیه السلام) آن را به کتاب خدا و امیرالمؤمنین (علیه السلام) تطبیق کرده و علی (علیه السلام) را عروه‌الوثقی دانست که موجب نجات از آتش می‌شود (کوفی، ۱۴۱۰هـ.ق).

#### ۲-۴. بازخوانی و پرده‌برداری از انحرافات در رابطه غیرمستقیم

زمینه‌های یاد شده، خبر از تعامل غیر مستقیم امام صادق (علیه السلام) با اهل حدیث دارد. به طور

طبیعی بخشی از تعاملات امام صادق علیه السلام به صورت یک فکر و اندیشه از سوی هواداران ایشان انجام می‌شد. این زاویه پنهان از تعامل فکری امام علیه السلام با اهل حدیث را می‌توان در گفت‌وگوهای بین امام علیه السلام و پیروانش دید. زمینه‌یابی این تعاملات این فرصت را داد که این بخش از تعاملات بیش از هر چیز، اساس زمینه مهم سوم یعنی، اصول روابط امام صادق علیه السلام با فرق و گروه‌های مذهبی دانسته شود. پیروان ایشان از زمینه‌های دیگر به خوبی مطلع بودند و این را می‌توان از اخباری که در ادامه مطرح می‌شود، دریافت. حتی ترس آن می‌رفت که اقدامات اهل حدیث بتواند در ایشان مؤثر واقع شود. بنابراین، بخش مهم دیگر از ساختار تعامل امام صادق علیه السلام به بازخوانی و پرده‌برداری از انحرافات اهل حدیث برمی‌گردد.

پیش از ورود به اخبار مربوط به امام صادق علیه السلام می‌توان به خبری از امام باقر علیه السلام اشاره کرد که نشان از سابقه این واکنش‌ها باشد. براساس مضمون این روایت که تنها در کتاب کافی آمده است، امام باقر علیه السلام با اشاره به ابوحنیفه و سفیان ثوری به یکی از شیعیان خود در مسجد الحرام گوشزد می‌کند: «اگر اینها نبودند مردم به سوی ما می‌آمدند و به آنها از خدا و رسول خبر می‌دادیم» (کلینی، ۱۳۶۳/۱، ۳۹۲). در خبر آمده است که یونس بن ظبیان هرچند خود مورد تضعیف بزرگان رجال شیعه چون نجاشی واقع شده بود (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق)، اما از اصحاب امام صادق علیه السلام بود. وی روایت می‌کند:

نزد ایشان رفتم و گفتم یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله! من وارد بر مالک و اصحابش شدم و شنیدم که بعضشان می‌گفتند که برای خداوند صورت و وجهی مانند سایر وجوه و صورت‌هاست و بعضی از آنها می‌گویند که برای خداوند دو دست است و برای این سخنشان به این آیه از قرآن احتجاج می‌کنند که فرموده است: «بیدی استکبرت». آن حضرت علیه السلام پس از شنیدن این سخنان فرمود: «اللهم عفوک عفوک» و سپس خطاب به یونس فرمود: «هرکس گمان کند برای خداوند وجه و صورتی مانند سایر وجوه است، شرک ورزیده و هرکس گمان کند برای خداوند جوارح و اندامی مانند جوارح انسان است، کافر به خداست، پس شهادت چنین شخصی را قبول نکنید و ذبیحه او را نخورید. خداوند بلندمرتبه‌تر از آن است از آنچه تشبیه‌کنندگان او را به صفت مخلوقین توصیف می‌کنند»، سپس آن حضرت به تفسیر صحیح آیه‌ای پرداخت که مشبیه به آن برای اثبات دست داشتن خداوند تمسک می‌کردند. (خرازمی، ۱۴۰۱ هـ.ق)



عبدالرحیم بن عتیک نامه‌ای برای امام صادق علیه السلام نوشت و در آن، حضرت علیه السلام را از قومی در عراق که خداوند را با صورت و خط توصیف می‌کنند باخبر کرد و از حضرت علیه السلام خواست تا در قالب نامه‌ای برای وی توحید را بنا بر مذهب صحیح تبیین کند. امام صادق علیه السلام در پاسخ وی نوشت:

بلندمرتبه است خدایی که چیزی مانند او نیست و شنوا و بیناست. خداوند بلندمرتبه است از آنچه تشبیه‌کنندگان او را به آن توصیف می‌کنند و بر خدا افترا می‌زنند. بدان که مذهب صحیح در توحید، همان چیزی است که قرآن به آن در مورد صفات نازل شده است. بطلان و تشبیه از خداوند نفی شده است. او خداوندی ثابت و موجود است و خداوند برتر از آن چیزی است که توصیف‌کنندگان وصف می‌کنند، پس از قرآن تعدی نکنید که بعد از بیان گمراه می‌شوید. (کلینی، ۱۳۶۳، ۱/۱۰۰)

روایات متعددی از امام صادق علیه السلام وجود دارد که در مقابل تفکرات برخی از اهل حدیث مطرح شده است. برای نمونه می‌توان به برخی اخبار ایشان درباره جبرگرایی اشاره کرد. (کلینی، ۱۳۶۳، ۱/۱۰۰؛ صدوق، بی‌تا؛ دیلمی، بی‌تا؛ سیدبن طاووس، ۱۳۹۹) آن حضرت از خوردن ذبیحه، قبول شهادت، همراهی در نماز و دادن زکات به شخصی که قائل به جبر بندگان توسط خداوند بر معاصی است و همچنین معتقد است خداوند بندگان را بر آنچه طاقت ندارند تکلیف کرده است، نهی کرد (صدوق، ۱۴۰۴هـ.ق، ۱/۱۲۴؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ۲/۳۹۷). روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد مسئله خلق قرآن وارد شده است که آن حضرت علیه السلام ازلی و قدیم بودن آن را نفی کرده و آن را حادث دانسته است (صدوق، بی‌تا). این روایت هم می‌تواند ناظر به اعتقاد اهل حدیث مبنی بر قدیم بودن قرآن باشد. مالک بن انس در عبارتی، قائلین به خلق قرآن را کافر دانسته است. او می‌گوید از چنین شخصی درخواست توبه می‌شود و اگر توبه نکرد گردن زده می‌شود (عادل بن عبدالله، ۲۰۱۵).

## ۵. برخی پیامدهای تعامل دوسویی

ساختار کلی تعاملات امام صادق علیه السلام با اهل حدیث با توجه به زمینه‌های تاریخی در حدود و تنگناهای خاصی رقم خورده است. روشن است که امام صادق علیه السلام از سویی به جایگاه سیاسی، مقبولیت عمومی، فعالیت تبلیغی گسترده و محبوبیت و ویژگی‌های علمی و

غیرعلمی سران اهل حدیث و از سوی دیگر توافقات و اختلافات در مبانی را با این گروه در تنظیم روابط و چگونگی تعاملات توجه داشت. پیش از آنکه به هریک از پیامدهای رابطه دوسویه امام صادق علیه السلام با سران اهل حدیث اشاره شود، لازم است به حدیثی از آن حضرت اشاره کرد که هرچند در متن آن سخن و نامی از سران اهل حدیث به میان نیامده است، اما به نظر می‌رسد با توجه به عبارات مطرح شده می‌توان این گروه را نیز یکی از موارد مورد نظر امام علیه السلام دانست. متن این خبر می‌تواند مؤیدی بر درستی فرضیه دوسویگی تعامل امام علیه السلام با این گروه باشد. از اسماعیل بن جابر نقل شده است که امام صادق علیه السلام نامه‌ای به اصحاب خود نوشت و به آنها دستور داد این نامه را به یکدیگر بیاموزند و در آن درنگ کنند و به کار بندند. آنها نیز نسخه‌ای از آن را در نمازخانه منزل خود نهاده بودند و هرگاه نمازشان پایان می‌یافت در آن می‌نگریستند. در این نامه طولانی امام صادق علیه السلام این‌گونه سفارش کرد:

با اهل باطل مدارا کنید و ستم آنها را بر خویش تاب آورید. مبادا با آنها درافتید و ستیزه کنید و در مجالست و آمیزش و گفت‌وگو با آنها میان خود و خدا دین‌دار باشید و به هنگام همنشینی و آمیزش و گفت‌وگو با ایشان که گریزی از آن نیست تقیه در پیش گیرید که خداوند به شما دستور داده است آن را در پیوند با آنها به کارش بندید. مجالس شما و آنها یکی است، ولی جان شما و آنها از یکدیگر جداست و با هم انس نمی‌گیرد. شما هرگز دوستشان نخواهید داشت و آنها نیز شما را دوست ندارند، ولی خداوند شما را با نمودن راه حق گرامی داشته و نسبت بدان آگاهیتان بخشیده است، ولی آنها را شایسته حق قرار نداده است. با آنها مدارا کنید و نسبت به آنها صبر در پیش گیرید و این درحالی است که آنها با شما سرسازش و شکیبایی ندارند. (کلینی، ۱۳۶۹، ۲/۸)

حضرت در روایت دیگری در تفسیر آیه «وقولوا للناس حسنا» (بقره: ۸۳) آن را شامل همه مردم از مؤمنان و مخالفان دانسته و جذب مخالفان به سوی ایمان و دفع شر آنها را از نتایج مدارا با مخالفان یاد کرد. (منسوب به امام عسکری علیه السلام، ۱۴۹۰ ه.ق) همچنین حضرت علیه السلام در بیانی برای بنده‌ای که دوستی مردم را به خود جلب و سپس در حدود فهم و درک آنها نقل احادیث کرده و از نقل امور مورد انکارشان خودداری کند طلب رحمت الهی کرد (صدوق، ۱۴۱۷ ه.ق).

حضرت علیه السلام در توصیه به شیعیان به مدارا با مخالفانش تأکید قابل توجهی داشت تا علاوه بر محفوظ ماندن از خطرات احتمالی، زمینه جذب آنها به سوی مسیر حق فراهم شود.

## ۶. مروری بر پیامدهای روابط با اهل حدیث

در مورد پیامدهای روابط مورد نظر باید گفت که از شواهد مهم برای تأثیرگذاری امام صادق علیه السلام در محور نخست تعامل و نفوذ آموزه‌های ایشان در اهل حدیث، نقل روایات متعدد از امام علیه السلام توسط اهل حدیث است. در منابع روایی، اخباری وجود دارد که سران اهل حدیث بدون واسطه از حضرات روایت نقل می‌کنند. (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳/۵۰/۱؛ کلینی، ۱۳۶۳/۱۶/۲، ۵۲۱/۴؛ بقی، ۱۳۷۰، ۵۵۰/۲؛ عیاشی، بی تا، ۹/۲؛ صدوق، ۱۴۱۷ هـ.ق؛ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴۸۰/۲، ۵۷۳/۲؛ طبری، ۱۴۲۰ هـ.ق؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۱۰۱/۳؛ اربلی، بی تا، ۳۷۷/۲؛ قاضی نعمان، بی تا، ۹/۲، ۲۲۹/۱۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق؛ کوفی، ۱۴۱۰ هـ.ق؛ خطیب بغدادی، بی تا، ۴۱۹/۵؛ خطیب بغدادی، بی تا، ۲۵۳/۱۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۳۴۳/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۴۰۲/۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۳۰۰/۱۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۳۴۴/۲۶؛ ابن سعد، بی تا، ۴۹۷/۱؛ ابن سعد، بی تا، ۴۹۲/۲؛ ابن سعد، بی تا، ۱۱۳/۳؛ ابن سعد، بی تا، ۳۲۴/۵؛ ذهبی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۶۱/۶؛ ذهبی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۱۰/۱۴؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۱۲/۳؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۷۶/۵)

در روایتی که برای نقل فضایل ائمه علیهم السلام مطرح شده، آمده است که مالک بن انس از محضر امام صادق علیه السلام بسیار زیاد استفاده کرد و چه بسا وقتی می‌خواست روایاتی را که از امام صادق علیه السلام اخذ کرده است، بیان کند، می‌گفت: «حدثنی الثقه» و امام صادق علیه السلام را اراده می‌کرد. (صدوق، ۱۳۶۱، ۲۹۹/۳). بنابر گزارشی وی در دوره امویان از امام صادق علیه السلام روایتی نقل نکرده است (ذهبی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۵۶/۶). اخبار دیگری در منابع اهل سنت دیده می‌شود که مؤید این‌گونه اخبار است. برای نمونه ذهبی خبری را نقل می‌کند که براساس آن، سفیان در محضر امام صادق علیه السلام می‌گوید: «از محضر خارج نمی‌شوم تا برایم حدیث بگویی و حضرت نیز درخواست وی را اجابت نموده و موعظه می‌کند، ولی به وی گوشزد می‌کند که کثرت حدیث را برای تو خیر نمی‌دانم» (مزی، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ مجلسی، بی تا، ۲۲۶/۷۵). در ذیل ترجمه سفیان بن عیینه در کتاب نجاشی اثری از وی با نام نسخه عن جعفر بن محمد نقل شده است که نشان می‌دهد سران اهل حدیث، امامان شیعه را در قالب یکی از مراجع علمی آن زمان پذیرفته‌اند و حتی روایات آن را در قالب کتاب و اثری مستقل تألیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق).

نقل‌های فراوان وی از امام صادق علیه السلام که به آثار سنی و شیعه راه یافته به احتمال فراوان از همین نسخه بوده است. این بخشی از کتاب مفصل محمد بن ابی عبدالرحمن عبدالله بن یزید مقرئ اثری مفصل در تدوین روایات‌های سفیان بود که به شیوه مسند،



احادیثی را که از سفیان شنیده بود در آن تدوین کرده بود. عالمان امامی نیز به بخش حدیثی سفیان مشتمل بر شنیده‌های وی از امام صادق علیه السلام توجه نشان داده‌اند. (مدرسی، ۱۳۹۳/۳۷۲). علاوه بر مراجعات علمی سران اهل حدیث به امام صادق علیه السلام با نگاهی گذرا به منابع روایی- اخباری مشخص می‌شود که سران اهل حدیث از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به روایت آنها از جابر جعفی و ابان بن تغلب اشاره کرد (طوسی، بی تا، ۱۷۴/۴). جالب است که در کلامی از سفیان ثوری در مورد جابر جعفی نقل شده است: «ما رایت اروع فی الحدیث من جابر الجعفی» (ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۱۷/۲).

در مورد تأثیر مربوط به محور دوم تعاملات امام علیه السلام با سران اهل حدیث نیز برای نمونه می‌توان به روایاتی از اهل حدیث اشاره کرد که می‌تواند مانند تغییر دادن در واقعیت و حکم الهی دانسته شود. برای نمونه در احادیث تغییر یافته در بیان اهل حدیث می‌توان به حدیث ثقلین اشاره کرد که روایتی متواتر است و در منابع شیعه (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳، ۴۱۵/۲؛ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ صدوق، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱/۲۰۸؛ صدوق، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۶۸/۲) و اهل سنت (ر.ک.، احمد بن حنبل، بی تا، ۱۴/۳؛ ترمذی، ۱۳۹۶، ۳۲۹/۵؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ۱۰۹/۳؛ مسلم، بی تا، ۳/۷؛ دارمی، ۱۳۴۹، ۴۳۲/۲) ذکر شده است که با توجه به تاریخ وفات مالک بن انس، وی نخستین بار در این حدیث به جای لفظ اهل بیتی و عترتی، واژه سنت را به کار برده است (مالک بن انس، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۸۹۹/۲). وی در روایت سفینه که در کتب متعدد شیعه (ر.ک.، صدوق، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۰/۲؛ نعمانی، ۱۴۲۲ هـ.ق؛ طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق) و اهل سنت (ر.ک.، حاکم نیشابوری، بی تا، ۲/۲۴۳؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ۳/۱۵۱؛ هیثمی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۱۶۸/۹؛ طبرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۱۰/۴؛ طبرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۵/۳۵۵؛ طبرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۶/۸۵) نقل شده است به جای لفظ اهل بیت، واژه السنه را به کار برده است (بغدادی، بی تا، ۷/۳۴۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۹/۱۴).

این نکته قابل ذکر است که مالک، این عبارت را به حضرت رسول صلی الله علیه و آله نسبت نداده، ولی قالب و شکل عبارت وی از حدیث سفینه اخذ شده است که به نوعی تحریف آن و عدم قبول آن است. در این شرایط فقط تبیین و روشننگری امام صادق علیه السلام می‌توانست پیروان ایشان را از خطر باور به چنین اخباری حفظ کند. برای نمونه گزارش شده است که گروهی نزد امام صادق علیه السلام آمدند که برایشان تفاوتی نمی‌کرد از چه کسی روایت کنند و از افراد متعدد حدیث شنیده و روایت می‌کردند. امام صادق علیه السلام از آنها خواست تا برخی



از احادیثی که از غیر ایشان شنیده‌اند، بیان کنند. فردی از این گروه، روایات متعددی را به واسطه سفیان ثوری به حضرت یا پدر بزرگوارش نسبت داد که امام صادق (علیه السلام) آنها را تکذیب کرد (کشی، بی تا، ۶۹۲/۲) و ایشان را از خطر قبول احادیث سران اهل حدیث بازداشت.

## ۷. نتیجه‌گیری

ملاحظه تعاملات امام صادق (علیه السلام) با سران اهل حدیث مدینه و کوفه از منظر و چارچوب شناسایی ویژگی‌های زمینه‌ای و بازشناسی عناصر ساختاری به خوبی وجه تمایز روابط اهل حدیث با آن حضرت را نسبت به روابط گروه‌های دیگر با ایشان به صورت دقیق و مستند نشان می‌دهد که عبارتند از:

- جایگاه، موقعیت و اثرگذاری اصحاب حدیث در مناطق مختلف در کنار شهرت و مقبولیت آرای ایشان چه در مدینه و چه در کوفه با در نظر داشتن ویژگی‌های خاص این دو شهر؛  
- وجود اشتراکات و اختلافات فکری چه در روش علمی و حدیث‌گرایی و چه در باورهای مذهبی یا اندیشه سیاسی؛

- وجود اصول کلی تعامل در سیره ائمه (علیهم السلام) مانند اصل جذب حداکثری و یا رعایت تقیه، زمینه‌هایی است که ساختار تعاملات مورد نظر را پدید آورده و جهت داده است. محور تعاملات را می‌توان ناظر به روابط مستقیم امام صادق (علیه السلام) با سران اهل حدیث در مدینه و با محوریت احترام و مدارا در پس رویه هدایتگری ایشان دانست. همچنین می‌توان آن را ناظر به روابط غیر مستقیم و از راه پیروان با سران اهل حدیث با محوریت پرده‌برداری از انحرافات اهل حدیث دانست. پیامد روابط مستقیم امام صادق (علیه السلام) با سران اهل حدیث هرچند حداکثری نبود، شواهد حاکی است که معارف مورد نظر اهل بیت (علیهم السلام) از کانال آنها بسط یافته است. همچنین در جریان محور دوم تعامل امام (علیه السلام) امامی مذهب‌ان تا حد زیادی از خطر پذیرش آرای اهل حدیث مصون مانده‌اند.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: نگارش  
۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن (۱۲۷۱). *الجرح والتعديل*. بیروت: بی جا.



۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ هـ.ق). *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*. محقق: محمد عبدالقادر عطا، ومصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا). *وفیات الاعیان*. محقق: احسان عباس. قم: منشورات الشریف الرضی.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد (بی تا). *الطبقات الکبری*. بیروت: دارصادر.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶). *مناقب آل ابی طالب*. نجف: مکتبه الحیدریه.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۹). *الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف*. قم: مطبعه الخیام.
۷. ابن عدی، عبدالله (۱۴۰۹ هـ.ق). *الکامل*. بیروت: دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع.
۸. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ هـ.ق). *تاریخ مدینه دمشق*. بیروت: دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع.
۹. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۲۸ هـ.ق). *الامامه والسیاسه*. قم: مکتبه الحیدریه.
۱۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۹). *الفهرست*. تهران: بی جا.
۱۱. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۳۸۶). *مقاتل الطالبیین*. قم: دارالزهراء علیها السلام.
۱۲. ابوزهره، محمد (۱۳۹۳). *تاریخ المذهب الاسلامیه*. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۳. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (بی تا). *حلیه الاولیاء*. قاهره: دار ام القری.
۱۴. احمد بن حنبل (بی تا). *مسند احمد*. بیروت: دارصادر.
۱۵. اربلی، ابن ابی الفتح (بی تا). *کشف الغمه*. بیروت: دارالاضواء.
۱۶. امین، سید محسن (۱۴۲۱ هـ.ق). *اعیان الشیعیه*. بیروت: دارالتعارف.
۱۷. آقائوری، علی (۱۳۷۴). *برخورد امام صادق علیه السلام با منحرفین کلامی*. پایان نامه دکتری الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.
۱۸. بابایی، سعید (۱۳۸۴). *سیره امام صادق علیه السلام در برخورد با اهل سنت*. قم: مرکز پژوهش های اسلامی.
۱۹. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۰). *محاسن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. پاکتیچی، احمد (۱۳۸۴). *مدخل اصحاب حدیث، دایره المعارف بزرگ اسلامی*. قم: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۲۱. پاکتیچی، احمد (۱۳۹۱). *مجموعه مقالات ابعاد شخصیت و زندگی امام صادق علیه السلام*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۲. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۶). *سنن الترمذی*. بیروت: دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع.
۲۳. جرجانی، حمزه بن یوسف (بی تا). *تاریخ جرجان*. محقق: محمد معین خان. بیروت: عالم الکتب.
۲۴. جعفری، محمد (۱۳۹۵). *امام رضا علیه السلام و مواجهه با برداشت های ناصواب اهل حدیث از صفات خبریه*. نشریه فرهنگ رضوی، ۱۴(۴)، ۵۷-۷۴.
۲۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (بی تا). *المستدرک*. محقق: اشرف یوسف عبدالرحمن المرعشلی. بی جا: نرم افزار مکتبه اهل البیت علیهم السلام.
۲۶. حجت، هادی (۱۳۸۵). *تشبیه، تفویض و تأویل در مکتب اصحاب حدیث*. نشریه/اندیشه دینی، ۲۰(۴)، ۱۲۵-۱۵۶.
۲۷. خراز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ هـ.ق). *کفایه الاثر*. قم: انتشارات بیدار.
۲۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی تا). *تاریخ بغداد*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. دارمی، عبدالله بن رحمن (۱۳۴۹). *سنن الدارمی*. دمشق: مطبعه الاعتدال.
۳۰. دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۹ هـ.ق). *تأویل مختلف الحدیث*. بی جا: المکتب الاسلامی المؤسسة اشراق.
۳۱. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۲۳ هـ.ق). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*. محقق: بجای، علی محمد. بیروت: دارالفکر.
۳۲. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ هـ.ق). *سیر اعلام النبلاء*. اشرف و تخریج: شعیب الانزویوط. محقق: حسین الاسد، نذیر حمدان، و اکرم البوشی. بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۳. رازی، ابوحاتم (۱۳۳۶). *الزینه فی الکلمات الاسلامیه العربیه*. قاهره: مطبعه الرساله.
۳۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۰ هـ.ق). *ترتیب الممالک بمنایب الامام مالک*. بیروت: مکتب الاسلامی.
۳۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا). *الملل والنحل*. محقق: سید گیلانی، محمد. بیروت: دارالمعرفه.
۳۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۱). *معانی الاخبار*. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۷. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ هـ.ق). *خصال*. قم: منشورات الجماعه المدرسین.
۳۸. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ هـ.ق). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۹. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ هـ.ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: منشورات الجماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه فی قم المقدسه.
۴۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷ هـ.ق). *امالی*. بی جا: مرکز الطباعه والنشر لمؤسسه البعته.
۴۱. صدوق، محمد بن علی (بی تا). *توحید*. بی جا: منشورات الجماعه المدرسین.



۴۲. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۵ ه.ق). معجم الاوسط. مصحح: محمد طحان. ریاض: مکتبه المعارف.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۶). الاحتجاج. نجف: دارالنعمان للطباعة و النشر.
۴۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۷ ه.ق). تاریخ طبری. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۵. طبری، محمد بن علی (۱۴۲۰ ه.ق). بشاره المصطفی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ه.ق). امالی. بی جا: دارالثقافه للطباعة و النشر و التوزیع.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). استبصار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. عادل بن عبدالله (۲۰۱۵). الجامع فی عقاید و رسائل اهل السنه و الاثر. بی جا: بی نا.
۴۹. عسکری، سید مرتضی (۱۴۱۲ ه.ق). معالم المدرستین. تهران: مؤسسه البعثه.
۵۰. عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا). تفسیر العیاشی. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۵۱. فسوی، ابی یوسف (۱۴۱۹ ه.ق). المعرفه و التاریخ. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۲. فوک، یوهان (بی تا). اهمیت حدیث‌گرایی در اسلام. مترجم: نمایی، احد. قم: پژوهشگاه قرآن و حدیث.
۵۳. قاضی عیاض، عیاض بن موسی (بی تا). ترتیب المدارک. مغرب: مطبعه فضاله المحمدیه.
۵۴. قاضی نعمان، نعمان بن محمد (بی تا). شرح الاخبار. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۵. کشی، محمد بن عمر (بی تا). اختیار معرفه الرجال. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۷. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ ه.ق). تفسیر. تهران: مؤسسه الطبع و النشر التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
۵۸. مالک بن انس (۱۴۰۶ ه.ق). الموطأ. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵۹. مجلسی، محمدباقر (بی تا). بحار الانوار. بیروت: داراحیاء تراث العربی.
۶۰. مدرسی، سید حسین (۱۳۶۲). مقدمه‌ای بر فقه شیعه. مترجم: محمد آصف فکرت. مشهد: آستان قدس رضوی.
۶۱. مدرسی، سید حسین (۱۳۹۳). میراث مکتوب شیعه. قم: نشر مورخ.
۶۲. مزنی، یوسف بن عبدالرحمن (۱۴۱۳ ه.ق). تهذیب الکمال. محقق: بشار عواد معروف. بیروت: مؤسسه الرساله.
۶۳. مسلم، ابن حجاج (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.
۶۴. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ه.ق). امالی. بیروت: دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع.
۶۵. امام حسن عسکری (ع) (منسوب) (۱۴۰۹ ه.ق). تفسیر الامام العسکری (ع). قم: مدرسه الامام المهدی (ع).
۶۶. نادری، مصطفی، و مطهری، حمیدرضا (۱۳۹۷). راهبردهای اجتماعی امام صادق (ع) برای ایجاد همگرایی اسلامی. نشریه تاریخ اسلام، ۷۴ (۱۹)، ۴۱-۶۸.
۶۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ ه.ق). رجال النجاشی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ ه.ق). الغیبه. قم: انوار الهدی.
۶۹. نیک‌آفرین، مهدی، و جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۲). پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق (ع). نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۰ (۴)، ۲۹-۵۶.
۷۰. وکیع، محمد بن خلف (بی تا). اخبار القضاة. بیروت: عالم الكتاب.
۷۱. هیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۰۸ ه.ق). مجمع الزوائد. بیروت: دارالکتب العلمیه.